



## خدا محوری یا انسان محوری؟

فرهنگ مذکور تنها غرب را به پند نکشید بلکه با گسترش و اشاعه آن در کشورهای اسلامی، مسلمین را به شکل بدتر و رسوایت‌گیری کننده تر به اسارت بردگی کشیده که بررسی آن مجال دیگری لازم دارد.

بن بست کنونی غرب از لحاظ رسیدن آن به پوچی، جایگزینی بینش شهرت، سکس، برهنگی، ولنگاری و مصرف به جای ارزش‌های انسانی، محور قرار گرفته تکنولوژی، ماشین، تولید و... به جای انسان فلسفه‌های متعدد و متنضادی را به ارمغان آورده است که یکی از آنها فلسفه پوچی و عبیت زندگی است و هر روز دهها قریانی را که معلول خود کشی است از جامعه غرب می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های مادی این است که انسان به آنچه ندارد شوق و عشق می‌ورزد و رسیدن به آن بخشی از زندگی فکری او را به خود مشغول می‌کند ولی به مجرد رسیدن و چند روز با آن سپری کردن، ملات را به بارمی آورد و انسان از آنچه که قبلاً برای رسیدن به آن عشق می‌ورزید خسته و دلزده می‌شود. انسانی که در جامعه غرب به منتهای خواسته‌ها و آرزوی های مادی خویش رسیده است طبیعتاً زندگی برای او ملال آور می‌شود و بعد از چند روز ملات به هیچ و پوچ بدل می‌شود، ادامه، زندگی پوچ و عبیت برای آن شخص مشکل می‌گردد و تها یک راه در پس منظر زندگی برای خود می‌بیند و آن خانه دادن به زندگی از راه خود کشی است. از همین جا است که ضرورت یک تحول در فرهنگ غرب احساس می‌شود و جمعی از دانشمندان و انسان دوستان غربی به سنته آمده، به این باور می‌رسند که باید انسان و جامعه غربی را از حاکمیت نظامی که هستی و آرمانش را داشتن آسمان‌خراشها، ماشین آخرين سیستم، هم‌خوابگی با هم جنس و... تشکیل می‌دهد، بیرون کشید و او را به خویشتن خویش باز گرداند.

کنندی فریاد می‌زند: واقعاً که نسل جوان در آمریکا در مایع فساد حل گشته و به ورشکستگی اخلاقی افتاده، به دزدی و خوشگزانی گرفتار شده، در دریای شهرت فرورفت و نزدیک است که غرق شود، بطوریکه از هر هفت جوان که به خدمت سرمایی احضار می‌شوند، در اثر افراط درشهوتوانی شش نفر شان صلاحیت خود را از دست داده و هشدار داد که این نسل جوان بلای بسیار خطرناکی است برای آینده نزدیک آمریکا و از دانشمندان و اصلاح جویان اجتماعی استعداد خواست که برای جلوگیری از این خطر به گفتگو پردازند و راه علاجی پیدا کنند! (۱)

الکسیس کارول می‌گوید: ما قوم بدی هستیم، ماملت چوشی هستیم؛ زیرا اخلاق ماسقوط کرده و عقل ما بطرفان تطور گرفتار گردیده. واقعاً آن ملتها و جماعت‌ها که در این قدرن به اوج اعلا رسیده، اند... چون نیک پنگری در حقیقت ملتها و جماعت‌هاست که به خط اول سقوط رسید اند و به اولین خط ناتوانی قدم نهاده اند، زود است که به وادی وحشت و بربست پرستند و بطرفان هرج و مرچ گرفتار شوند و در مسابقه ورشکستگی گوی سبقت را از همگان پریاپند اما هنوز مغفولند و سرمست از باده جاه و مقام... زود است که درک کنند! (۲)

آنان به این نکته باور مند می‌شوند که شکست این سنت مبتدل و فارغ گردن آسایش زندگی از عبیت و پوچیت، تنها در سایه ایمان به خدا و گرایش به ارزش‌های معنوی امکان پذیر است. چون هم به آسایش قدرن ضرورت دارد و هم به خدا. آسایش و قدرن بدون خدا پوچیت و عبیت را به ارمغان می‌آورد. باید به علم و تکنولوژی و آزادی روحانیتی بیخشیم که رابطه انسان را با خداش بپر قرار نموده و استحکام بخشد. با تایش نور الهی زندگی انسان از تاریکی و سیاهی به سوی نور کشانده می‌شود. با حضور خدا در زندگی انسان کرامت و هویت انسانی انسان تثبیت می‌شود و انسان خود را در برابر شهرت و شکم، تجمل و مصرف و درزیر آسمان‌خراش قرن بیست کوچک و حقیر نکرده و غم بازد.

از مشهور ترین دانشمندان اروپا ستاره شناس نامی «جیمس جنیز» است که زندگی خود را با شک و تردید آغاز نمود و سپس از راه پیش و تحقیق به این نتیجه رسید که مشکلات بزرگ علم آسان نخواهد شد مگر با وجود خدای بزرگ. همچنین نویسنده مشهور «سامراست موام» می‌گوید: امروز اروپا خدای خود را بدور انداخت و از نوی خدای نو پدیده ایمان آورد. آن معمودتازه کار علم است. اما متأسفانه علم یک موجود اضطراب آمیز است، دائم دستخوش انقلاب بوده، آنچه را که دیرورز نفی کرده امروز اثباتش می‌کند و آنچه را که امروز اثبات کند، فردا نفی خواهد کرد و به همین جهت بندگان و پرستندگانش را دامن در حال تشویش و اضطراب می‌بینی و هرگز آرامش ندارند. (۳)

با این بیان مفاهیم اجمالی «خدا محوری» و «انسان محوری» زمینه پیدایش و رشد اندیشه، «انسان محوری» و عواقب آن به نحو اجمالی روش گردید. ولی منتع شدن بیشتر مهوم «خدا محوری» و «زمینه پیدایش آن مجال بیشتری را برای بحث می‌طلبد.

مخلوق باز می‌گردد، به سوی انسان حرکت می‌کند وانگهی انسان را در شعاع نور خداوند، جهت داده به حرکت در می‌آورد. به کدام سوی؟ باز به سوی خداوند. آغاز حرکت و فرجم حرکت خداوند است و انسان با خود آگاهی دینی که دارد مسیر زندگی سیاسی اجتماعی خود را در محور خداوند جهت می‌دهد.

پیروان این اندیشه نیز به نویه خود در دسته جات متعدد و احیاناً متنضادی قابل مطالعه و بررسی اند: برخی حاکمیت خداوند را توسط طیف و گروه مشخص انسانی قابل اعمال می‌دانند و معتقدند که این گروه مشخص به غایبندگی از سوی خداوند برای حاکمیت بر مردم مأموریت یافته اند. چنانکه کلیسا و روحانیت مذهبی مسیحی خود را غایبنده بلا منازع خداوند در زمین تلقی کرده و حق حاکمیت را ویژه خود می‌دانستند، ولی دسته، دیگر معتقدند که مجموعه گروههای انسانی با پذیرش امانت سنگین خداوندی، خلیفه خدا در روی زمین اند. به این لحاظ همه افراد چنانچه توییدی به چانشی از خداوند امام اند و رهبر. ولی از آنچاییکه جامعه منسجم به ترکز رهبری ضرورت دارد، آنها ناگزیرند به جز در مواردی که بر امانت افراد معین نص قاطعی وجود دارد، یک فرد را از میان خود و از روی آگاهی واراده جهت رهبری جامعه پرگزینند و حق حاکمیت را به او بسپارند. به این ترتیب گامهای اساسی در راستای تحقق حکومت مردم بر مردم، آزادی اراده و انتخاب در محور «ذات حق» برداشته شده و از استبداد و گرددش حاکمیت بر محور طیف مشخص اجتماعی جلوگیری به عمل آمده است. این دسته می‌گویند: همانگونه که سلب آزادی تفکر، علم و قدرن از سوی کلیسا بر خلاف تکامل انسان بود، همینطور قدرن دور از معنویت و خدا راه تکامل انسان را مسدود نموده و او را بپرده تجمل، مصرف، سکس، کایپره و... می‌نماید. به این لحاظ برای رسیدن به هویت انسان، هم کلیسا و غایبندگان مذهبی را باید صاحب علم و قدرن و آزادی نمود و هم قدرن، علم و آزادی را صاحب معنویت و خدا. صرف در این صورت است که انسان راه تکامل را پیموده و سمت چانشی خود را از سوی خداوند احراز می‌نماید.

قابل این دو اندیشه بصورت یک مبارزه، پیگیر در جهت نفوذ و اثبات هنچنان ادامه دارد. پیروان اندیشه، «انسان محوری» طرف مقابل خود را به استبداد دینی متهم نموده و تاریخ حاکمیت سیاه کلیسا را که در واقع بردگی انسان توسعه انسان بود نه حاکمیت خدا بر انسان، به رخ می‌کشد و نظریه پردازان نظریه «خدا محوری» سینه چاکان «انسان محوری» را به ولنگاری و پوچی متهم می‌کنند. بررسی فلسفی مزایا و معایب این طرز تفکر از حوصله این نوشته خارج است و در مقاله دیگر به بحث از آن پرداخته خواهد شد ولی در یک تحلیل جامعه شناسانه می‌توان گفت که جامعه اروپا نه تنها به آرمانی که به خاطر آن مبارزه را آغاز نموده بودند دست نیافتدند، بلکه در قطب کاملاً مخالف آن قرار گرفتند.

شکست طلس کلیسا و برجیدن سیطره آن از جهان اروپا برخاسته از این طرز تفکر روشگرانه بود که انسان باید به هویت خود دست یابد. انسانی که در برابر کلیسا آنچنان مقهور وی از اراده شده است که به جز در محور خواست کلیسا چیزی را نبیند و به چیزی تیاندیشد، این انسان باید آزاد شده و به هویت انسانی خویش دست یابد. ولی فرجم این خط، آزادی کامل انسان و نیل آغاز نموده ازین دست نیافتدند، بلکه در قطب کاملاً مخالف آن گردد.

کعبه، آمال و معراج آرزوی «انسان محوری» معبود حقیقی، انسان است، در اندیشه، «انسان محوری» معبود حقیقی، انسان است، پاسخ گوئی به امیال و خواسته های انسان، معراج واقعی این طرز تفکر محسوب می‌شود. خواسته های انسانی حد و مرزی ندارد تا اینکه که امکان تحقق دارد، باید در انجام آن تلاش شود. ولی در اندیشه، «خدا محوری» معبود حقیقی خداوند است و انسان غایبنده و خلیفه خدا در روی زمین، حاکمیت انسان، اراده و آزادی او، از این خداوند منشأ می‌گیرد و در طول حاکمیت خداوند مطرح می‌گردد. به این نوع اندیشه که ریشه در دین دارد و از مکتب دینی الهام می‌گیرد، اصطلاحاً «خدا محوری» می‌گویند.

تابش نور روشنگری و ابتکارات علمی، سیطره، سیاه حاکمیت کلیسا را که بر قام ابعاد زندگی اروپاییان سایه گشته بود، برچید. کلیسا به عنوان یک دستگاهی که به غایبندگی از سوی خدا هم صاحب مغز، تفکر، اندیشه و اراده، پسر در دنیا بود و هم مالک بهشت آن در آخرت و پشتوانه، بقای آن گیوتین، به بازسازی انکار دینی ضرورت میر داشت. آغازگر این حکومت نوین فکری، هر چند در ابتدای امر مذهبیون روشنگری بودند که با انحراف کلیسا به مبارزه بر خواسته و برای بازسازی افکار دینی، علیه کلیسا دست به اعتراض زدند، ولی این اعتراض موجی را در سراسر اروپا ایجاد کرد و باعث یک انقلاب فکری و تحول فرهنگی در اروپا گردید که سرانجام حاکمیت کلیسا را شکستانده و ایده ها و فلسفه های جدیدی را دریاره، زندگی، در مقابله با دین و مذهب برای مردم اروپا به ارمغان آورد.

از آنجا که حاکمیت کلیسا به حیث غایبنده خدا در زمین، تمام ابعاد زندگی انسان اروپا را فراگرفته و برای اراده انسانی در تشکیل حاکمیت و ادامه آن کمترین بهانی قاتل نشده بود، طبیعی بود که تحول ایجاد شده در تضاد با اندیشه، کلیسانی به یک خط فکری منجر می‌گردید که بر اساس آن دین، مذهب، خدا، اراده و حاکمیت خداوندی از مفاهیم پوچ و مزخرف بوده و انسانی که در تحت حاکمیت تنها و تنها «انسان» تلقی گردد. این داده و کمترین بهانی در برابر رب النوع های کلیسانی نداشت، بر اساس این دیدگاه، آنچنان استعداد و صلاحیت ذاتی دارد که می‌تواند در ورای خواسته و خواسته های خود قوانین را وضع و به اجراء بگذارد. امیال و آرمان ملت و جامعه هرچه می‌خواهد باشد، در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی جامعه، یگانه عنصر تعیین کننده است. به این نوع اندیشه اصطلاحاً «انسان محوری» اطلاق می‌شود. طرفداران این اندیشه به گروههای متعدد تقسیم شده و هر کدام بر اساس دیدو نگرش ویژه، شان نسبت به انسان و جامعه، مکتب فلسفی خاصی را بوجود آورده اند که از جمله آنها فلسفه دموکراسی غربی و فلسفه حکومت پرولتری است.

در مقابله با این ایده، اندیشه، دیگری به مبارزه بر خواست مبنی بر اینکه حاکمیت مطلق از آن خداوند است؛ ولی از آنجایی که انسان خلیفه خدا در روی زمین است، صلاحیت حکومت و قانون گذاری در محدوده، مضبوط و معین، از سوی خداوند و مطابق می‌خواسته های خود قوانین را وضع و به اجراء بگذارد. امیال و آرمان گذار، اراده انسانی در حکومت و قانون گذاری، در طول زمانی از خدا به او واگذار شده است، بر این اساس نقش انسان نمایندگی از خدا به او واگذار شده است، بر این اساس نقش انسان و آلت اراده انسانی در حکومت و قانون گذاری، در طول خواسته خارج است و در مقاله دیگر به بحث از گذاره، در حوزه تفویض خداوند مطلقه می‌گردد. به این نوع اندیشه که ریشه در دین دارد و از مکتب دینی الهام می‌گیرد، اصطلاحاً «خدا محوری» می‌گویند.

در اندیشه، «انسان محوری» معبود حقیقی، انسان است، پاسخ گوئی به امیال و خواسته های انسان، معراج واقعی این طرز تفکر محسوب می‌شود. خواسته های انسانی حد و مرزی ندارد تا جای که امکان تحقق دارد، باید در انجام آن تلاش شود. ولی در اندیشه، «خدا محوری» معبود حقیقی خداوند است و انسان غایبنده و خلیفه خدا در روی زمین، حاکمیت انسان، اراده و آزادی او، از این خداوند منشأ می‌گیرد و در طول حاکمیت خداوند مطرح می‌گردد. این خاطر که می‌خواست خدا را به گونه دیگر بنگرد محکوم به ارتداد می‌شود و...، این انسان تحقیر شده بایست که از این زندان رهانی یابده، پرخواسته ها و آرزوهایش هرچه می‌خواهد احترام گداشته شود. دریاره، هر چه می‌خواهد بیاندیشد و در یک کلام هر آنچه غیر انسان است، کلیسا باشد یا خدا، باید در انسان فانی شود. ولی معراج آمال و کعبه، مقصود در تفکر «خدا محوری» از خداوند یخشیدن به اراده، خداوند، جهت دادن به اراده، انسان در اندیشه، «خدا محوری» می‌خواسته بقای آن گشته است. گالیله صرفاً بخاطر عقائد تازه، بر حقش در باره، زمین ناگزیر می‌شود خط بینی بکشد، اسپینوزا با وجود این راستیش بخدا، صرف به این خاطر که می‌خواست خدا را به گونه دیگر بنگرد محکوم به ارتداد می‌شود و...، این انسان تحقیر شده بایست که از این زندان رهانی یابده، پرخواسته ها و آرزوهایش هرچه می‌خواهد احترام گداشته شود. دریاره، هر چه می‌خواهد بیاندیشد و در یک کلام هر آنچه غیر انسان است، کلیسا باشد یا خدا، باید در انسان فانی شود. ولی معراج آمال و کعبه، مقصود در تفکر «خدا محوری» حاکمیت بخشنیدن به اراده، خداوند، جهت دادن به اراده، انسان در اندیشه، «خدا محوری» می‌خواسته بقای آن گشته است. گالیله صرفاً پایین تنه به ظهور و ثبوت می‌رساند. قابل یاد آوری است که

# هشتم همسایه، محترم داکتر طالب عضو شورای هرگزی و سخنگوی حکومت و شورای عالی هماهنگی

\* همانطوریکه خوانندگان عزیز در جریان هستند اخیراً انکشافات عمیقی در صحنه سیاسی کشورما رونما گردیده و در مواردی هم تبلیغات و شایعات گمراه کننده ای در جریان است تا اذهان را نسبت به قضایای کشور مغشوش سازند.

\* لهذا بآن شدیم که غرض روشن شدن قضایا و نظرات حزب وحدت اسلامی، با محترم داکتر طالب عضو شورای هرگزی و سخنگوی حزب وحدت اسلامی و شورای عالی هماهنگی، مصاحبه ای انجام بدھیم. با تشکر از اینکه در خواست ما پذیرفته شد و اینک متن مصاحبه تقديم حضور خوانندگان عزیز می گردد.

خواستند در هزاره جات تشویشهای ایجاد کنند و نا امنی هایی را بوجود آورند تا بینویسیله هم ذهنیت مردم ما را مشغول نمایند و هم ذهنیت مسؤولین حزب را، و پس از آن عملیات نیروهای نظامی اداره، کابل در جبهه، شیخ علی آغاز گردد، ما یقین کامل داریم که حزب وحدت به حد کافی نیروی انسانی و نظامی برای مقابله دارد. ما هیچ مشکل نداریم جز اینکه ملحوظات رعایت زندگی مردم ما را به تائی و احتباط در عمل واداشته است. در غیر آن صورت ما نیروی کافی برای جلوگیری از این گونه تحرکات نه تنها در هزاره جات داریم بلکه آمادگی کامل در جبهه، شیخ علی هم داریم. حزب وحدت اسلامی تا کنون بر بازوان توافق مردم خود راه رفته و پیش رفته. این نقطه قوت حزب وحدت بوده که باعث شده حزب وحدت در خواست دشوار را هش را ادامه دهد. هدف از این تبلیغات که حزب وحدت از نیروهای دیگران استفاده کرده، جز مغشوش کردن ذهنیت ها چیزی دیگری نیست. متأسفانه رسانه های خبری ایران در این رابطه بیش از حد تبلیغات غیر واقعی انجام داده که خواسته تحرکات از یک طرف غیر واقعی و بی اساس است و از طرف دیگر کاملاً یک جانبه و علیه حزب وحدت و بد نفع عده معامله گر و خائن صورت گرفته است. این تبلیغات طوری بوده که خواسته تحرکات را که این مجموعه خائن حتی بعد از تعهد به عدم جنگ در هزاره جات راه اندادخانه اند توجیه کند و جنگ افزوزان را تبرئه نماید. مردم ما شدیداً از این تبلیغات ناراحت و متأثرند در صورتی که این تبلیغات ادامه پیدا کند اثرات منفی زیادی در پی خواهد داشت. امید و آرزوی ما این است که رسانه های خبری بنا بر تعهد و رسالت حرفی و اسلامی واقعیت ها را متغیر کنند.

امروزما: همانگونه که خود در جریان هستید بین حزب وحدت اسلامی و گروه طالبان در این اواخر مذاکراتی در داخل صورت گرفته است در رسانه های خبری به نقل قول از طالبان این گونه وامود شده است که حزب وحدت در این مذاکرات متعهد شده که سلاحهای خود و هزاره جات را تسلیم طالبان نمایند. بفرمایید که این مذاکره بوجه مبنای صورت پذیرفته و تبلیغات طالبان برچه پایه و اساسی استوار است؟

داکتر طالب: در اینجا دو مطلب نیاز به توجه و دقت دارد: اول اینکه بین حزب وحدت و طالبان مشکلات بزرگی وجود داشت و تا کنون وجود دارد. استاد مزاری در دست طالبان به شهادت رسید که این مسئله بزرگی برای مردم ما و حزب وحدت است. دوم اینکه وقتی حزب وحدت می خواهد به جیت یک جریان سیاسی در افغانستان مذاکره نماید. مبنای ما بر این است که از طریق مذاکره با طالبان در قدم اول مشکل حزب را با طالبان که شهادت استاد مزاری است حل کنیم. ما می خواهیم که بصورت عملی در باره شهادت استاد مزاری تحقیقاتی صورت گیرد و عوامل قتل استاد مزاری شناسانی گردد. و این چیزی است که بارها طالبان وعده آن را داده اند. در قدم دوم ما علاقمند هستیم که در صورت قایل طالبان نظرات حزب وحدت را در رابطه با اوضاع جاری کشور و سرنوشت آینده، کشور مطرح کنیم و نظریات آنها را نیز بشنویم. حزب وحدت همیشه معتقد بوده که مشکل کشور را از طریق مذاکره حل نماید چون جنگ راه حل قضیه نیست. در مورد شایعات مبنی بر تسلیم دهی اسلحه و هزاره جات به طالبان عرض کنم که بحث تسلیم اسلحه و تسلیم هزاره جات اصلًا مطرح نیست و من شخصاً در مورد صحت این گزارش تردید دارم که طالبان چنین ادعای را کرده باشند. ما یقین داریم که اگر اینگونه ادعای ها صورت گیرد از حسن نیت حزب وحدت برای مذاکره و تفاهم سو استفاده، تبلیغاتی شود، این جریان، فضای را تبره تر می کند و به نفع مردم و کشور نخواهد بود. تأکید می کنم که بحث تسلیم دهی اسلحه و هزاره جات برای طالبان اصلًا در مذاکرات مطرح نبوده و مبنای ما در مذاکره همان دو چیزی است که گفتم ■

امروز ما، چندی قبل هیئتی از سوی شورای هماهنگی جهت مذاکره با اخنجر حکمتیار به لفمان رفته بودند. طوری که شنیده می شود این هیئت در نظر دارد با قام رهبران گروههای شامل در شورای هماهنگی مذاکره داشته باشند. بفرمایید که منتظر این مذکرات چیست؟

داکتر طالب: شورای هماهنگی همیشه روی یک اصل اساسی که عبارت از مذاکره با قام اطراف در گیر در قضیه، افغانستان است، تکیه و تأکید کرده است. علاوه بر آن مصوبه، دیگری هم داشته ایم مبنی بر اینکه هر عضوی از اعضای شورای هماهنگی می تواند با اطراف در گیر در قضایای افغانستان نشست و مذاکره نماید ولی فیصله نهانی با شورای هماهنگی است. به همین لحاظ هر یک از اعضای شورای هماهنگی بطور جداگانه با اطراف در گیر در قضایای افغانستان مذاکراتی داشته اند. اخیراً مذاکرات برادران حزب اسلامی با اداره، کابل به نتایج موردنظر طرفین رسیده بود. به این خاطر مسؤولین حزب اسلامی آن را در شورای هماهنگی مطرح نمودند تا نظرات و تصامیم آن ها را نیز بگیرند. شورای هماهنگی تصمیم شان بر این شد که با تامی رهبران گروههای عضو در شورای هماهنگی مذاکراتی انجام داده تا با درنظر داشت نظریات آنها پالیسی مشترک را انتخاب نمایند. بد تعمیق این تصمیم به لفمان رفته و با اخنجر حکمتیار صحبت نمودیم. در صحبت های ایشان مشخص بود که مذاکرات حزب با اداره، کابل پیشتر زیادی داشته و برادران حزب اسلامی در ارتباط با تفاهم با دولت منتظر تصمیم شورای هماهنگی اند. بعد از دریافت نظریات حکمتیار با حضرت صاحب مجده رئیس شورای هماهنگی مذاکره داشتیم و نظریات ایشان را جویا شدیم و در نظر گذاریم که طی یک سفری در داخل کشور با جنرال دوستم رئیس جنیش شمال و آقای خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی مذاکراتی را انجام دهیم، تا با درنظرداشت نظریات آنها سیاست مشترک را اتخاذ نموده و به راه حل مطلوب برسیم.

امروز ما: شنیده می شود که حزب اسلامی در مورد تقسیم وزارت خانه ها و پست های دولتی با اداره، کابل به تواافق رسیده و تعدادی از نیروهای نظامی آنها در این اواخر وارد کابل شده اند. آیا با توجه به مصوبه شورای هماهنگی، این موضوع از جبده، صلاحیت حزب اسلامی خارج نبوده است؟

داکتر طالب: آنچه که برای ما اعتبار دارد گزارش غایندگان حزب اسلامی در شورای هماهنگی و اظهارات حکمتیار است. بر اساس اطلاعاتی که از سوی آنها در اختیار ما قرار گرفته است تا کنون هیچ موافقه، صورت نگرفته و نیروهای حزب اسلامی وارد کابل نشده اند، این برای ما اعتبار دارد. طبیعی است که مذاکرات پیشترهای زیادی داشته و مطالب عمده مورد بحث طرفین بوده است. به این خاطر مسؤولین حزب اسلامی از شورای هماهنگی می خواهند که فیصله در این موارد صادر نماید. باور ما این است که حزب اسلامی منتظر فیصله، شورای هماهنگی است و شورای هماهنگی بعد از مذاکره با رهبران فیصله صادر خواهد کرد.

امروز ما: در مورد اظهارات شاهدان عینی که می گویند نیروهای حزب اسلامی وارد کابل شده اند، چه می فرمایید؟

داکتر طالب: قبل از عرض کردم که برای ما اظهارات رسمی حزب و اظهارات آقای حکمتیار مبنی بر اینکه هیچ توافقی صورت نگرفته و نیروهای حزب وارد کابل نشده اند، اعتبار دارد و ما روی آن اطمینان داریم.

امروزما: از روزنامه ها و تحلیلاتی که در مورد مذاکرات حزب اسلامی با اداره، کابل صورت می گیرد چنین استنبط می شود که حزب اسلامی راهی را که انتخاب کرده برگشت نماید از این پذیر است و به احتیاط قوی حزب به تنهای این راه را خواهد پیمود، در آن صورت سرنوشت شورای هماهنگی چه خواهد شد؟

داکتر طالب: قبل از گفتم که مسؤولین حزب اسلامی مکرر گفته اند که ما بدون فیصله، شورای هماهنگی در این راستا اقدامی ممکن و منتظر فیصله، شورای هماهنگی می مانیم. بر فرض که حزب اسلامی به تنهای این راه را پیماید، شورای هماهنگی مواجه با وضعیت جدید خواهد شد. البته اگر با چنین شرطی مواجه شویم که انتظار آن را نداریم، در فرستی که پیش می آید با بررسی جواب این قضیه و عوارض آن، طبیعی است که شورای هماهنگی فیصله در این مورد خواهد داشت.

امروزما: شنیده می شود که حضرت صاحب مجده از مذاکرات حزب با اداره، کابل ناخوشنود است و این نارضایتی در برخی از مطبوعات هم ابراز گردیده است. آیا موضع حضرت صاحب بعنوان رئیس شورای عالی هماهنگی منعکس کننده موضع شورای هماهنگی نیست؟

داکتر طالب: من بر این باور نیستم که حضرت صاحب مجده از مذاکرات نا راضی باشد زیرا همانگونه که گفتم مصوبه داریم که مطابق آن هر یکی از اعضای شورای هماهنگی می تواند با اطراف در گیر در قضایای افغانستان مذاکره نماید. ولی اهمیت مسئله و تبلیغات که در این مورد صورت گرفته حساسیت بر انگیز بوده است. ما با درنظر داشت حساسیت همین مسئله بود که نظرات اخنجر صاحب حکمتیار و حضرت صاحب مجده از مطابق آن هر در نظر داریم که نظرات جنرال دوستم و آقای خلیلی را نیز بگیریم، تا در روشی نظرات آنها به یک پالیسی برسیم. آن وقت فیصله مشترک را که نظریات همه را منعکس کند تدوین خواهیم کرد.

امروزما: تحرکات جدیدی از سوی جریان خیانت و معامله در هزاره جات با پشتیبانی وسیع اداره، کابل شروع شده است. این تحرکات درست بعد از تثبیت موقعت هربری در تعبیینات سال ۱۳۷۵ صورت می گیرد. به نظر من رسد که اینگونه تشنیج آفرینی ها در هزاره جات ارتباط تنگاتنگی با تثبیت رهبری در حزب وحدت داشته باشد همانگونه که در کابل بعد از تثبیت رهبری،

## استراتیژی مذاکره و دفاع

از: ع. ب

است که هیئت های متعدد سازمان ملل متحد را چهت حل بحران پذیرا شده است.

امروز افغانستان مواجه با یک جنگ اجتماعی است که برخلاف توقع قوس صعودی خوش را پیموده و روابط اجتماعی ملتها را در کشور ما به خصوصی و دشمنی کشانده است. باگذشت هر روز جنگ نه تنها شدید تر می شود، بلکه مداخلات خارجی ابعاد تازه، نیز بدان پخته شده و کشور را به صحنه رقابت قطب های نوین منطقی و جهانی تبدیل کرده است. حمله بر مردم بی گناه، قتل عام و اختطاف افراد غیر مسلح، تبدیل شدن مجاهد به جلا، خیانت به شریعت و قرآن، مرگ باور های انسانی، بی اعتقادی به ارزشها، رشد مفکره های انتقامگویانه، نژادی، نابود شدن ارزشها اخلاقی و اجتماعی، عدم پذیرش حقوق انسانی، سیاسی و اجتماعی ملیت ها، بازی با پاکتین ارزشها دینی و اعتقادی، بردگی برای اجانب غرض دریافت پشتونانه، اقتصادی برای جنگ و... از ویژگی های بارز این جنگ است. این ویژگی ها بیانگر اهداف سیاست های است که صرفاً با اندیشه های تبعیضی و نژادی برای ریشه کن کردن جوامع تطابق و سازگاری دارد. با پرسنی و مطالعه، بحران جنگ در می یابیم که یگانه زیربنای این بحران، عنصر انحصار قدرت سیاسی است و خصوصی های نژادی و قومی، تفکر برتری های ملی، یگانه توجیه برای انحصار قدرت سیاسی در دست یک قوم به شمار می رود.

متأسفانه در تاریخ سیاسی کشورما، انحصار قدرت به مثابه، یک فرهنگ سیاسی پذیرفته شده است که ریشه در یک سال پیش دارد. جنگ های خونین اجتماعی، خصوصی های ملی، کله منارها و سایر عوارض طبیعی آن، محصول همین فرهنگ سیاسی است که تا هنوز در عمق باورهای

شخصیت ریشه دارد. ریانی، مسعود و سیاف با این طرز تفکر حاکمیت کشور را تصاحب نموده و به جیت وارث عبدالرحمن انحصار قدرت سیاسی را به بهای حق و خون یک ملت می طلبند. حاکمیت سه ساله آنان اهداف، سیاستها و خواسته های را به نایش می کشد که جز با ریختن خون ملت و تکیه زدن بر تل اجساد نیم سوخته و بی جان نوجوانان، کودکان و زنان، اشیاع نمی شود. ولی جنگ افروزان انحصار طلب باید بدانند که تفکرات و سیاست های انحصار طلبانه تنها زمانی به پیروزی می رسد که ملت ها در غفلت باشند و در سایه این غفلت، نگران سرنوشت سیاسی اجتماعی خوش نباشد. پیروزی سیاست های فوق در تاریخ گذشته، کشور ما در شرایطی انجام گرفت که سطح شعر سیاسی اجتماعی مردم ما در حد صفر سقوط کرده و شاه به مثابه ظل الله «سایه خدا» پذیرفته شده بود، ولی در شرایطی که آگاهی، ملت را به میدان مبارزات سیاسی اجتماعی کشانده و عدالت سیاسی اجتماعی به یگانه آرمان ملت تبدیل شود، چاره ای جو تحول در حاکمیت در راستای حضور غایبندگان سیاسی ملت و پذیرش آرمانها، نیست. و ادامه خصوصی های نژادی در سایه انحصار قدرت و میله های اتشین توب و تانک، جز تشدید مناسبات خونین اجتماعی، گسترش روابط و تجربه اجتماعی بازده دیگری نخواهد داشت.

مگر زمان آن نرسیده است که دیگر تعصبات نژادی و قبیله ای را کنار گذاشته و با نشستن دور میز مذاکره مناسبات اجتماعی خوش را در سایه عدالت سیاسی اجتماعی پیوند زنیم؟ مگر تجربه، تاریخ کشور های جهان، سرگذشت جنگ های لبنان، بوسنی و... برای ما این شعور سیاسی را نداده است که برای حل بحران کشور به جای تکیه بر آتش و خون پشت میز مذاکره را برگزیده و از طریق دیالوگ بین افغانستانی به این بحران خانه بدهیم؟

آری در شرایطی که عدالت سیاسی اجتماعی به یگانه آرمان ملت تبدیل شده و تایپی خون آن را بدרכه خواهند کرد و در زمانی که توزیع قدرت در میان اقشار مختلف ملت و موازنیه آن، کاربرد جنگ های انحصاری را خنثی کرده است، استراتیژی مذاکره و رسیدن به تفاهم از آن طریق، یگانه راه حل بحران کشور خواهد بود. به این حافظ حزب وحدت اسلامی چه در زمان قیادت رهبر شهید استاد مزاری و چه در زمان رهبری استاد خلیلی، اصل مذاکره و دیالوگ را به جیت یک استراتیژی سیاسی برگزیده است و با استفاده ازین استراتیژی بوده است که از تشدید مناسبات اجتماعی بین اقوام پشتون و هزاره، ازیک و پشتون جلوگیری کرده است. مذاکرات حزب وحدت ص ۶

کند و توازن روابط اجتماعی را به نفع آنها سنجین می کند، ولی روابطی که تکیه گاه آن زور و قدرت است، پرورش دهنده خصوصی و دشمنی در بطن خود بوده و به زود ترین فرصت مانند آتش زیر خاکستر شعله می کشد و بساط این روابط را بر می چیند.

کاربرد مذاکره و دیالوگ زمانی از اهمیت ویژه برخوردار می شود که روابط اجتماعی ملتها به سوی خصوصی و دشمنی پیش رود و صداقت و اخلاص، برادری و برادری، جای خود را به عداوت و دشمنی بسپارد. در حالی که چهره خونین جنگ در این شرایط از دور خود غافی می کند، آغازین گام و پیشرفتین راه برای جلوگیری از خصوصی های اجتماعی مذاکره است و جنگ آخرين راه برای رسیدن به خواسته ها تلقی می گردد. ولی تجربه های مکرر تاریخی نشان می دهد که هر جنگی در بطن خود زمینه ساز مذاکرات اطراف

یکی از اساسی ترین اصل سیاسی در روابط سیاسی اجتماعی جوامع، اصل مذاکره است. مذاکره عبارت است از گفت و شنود برای برقراری روابط یا رفع خصوصی بین کنله های مختلف اجتماعی «ترمینولوژی «مذاکره» از آنجا در ردیف اصطلاحات سیاسی اجتماعی وارد گردید که علوم سیاسی اجتماعی، حقوقی و ... علوم روابط انسانها هستند و مذاکره در این راستا نقش کلیدی را ایفا می نماید؛ زیرا مذاکره در زمینه ساز تفاهم است، تفاهم بوجود آورنده، روابط سیاسی اجتماعی و صداقت در روابط پشتونانه، قوی برای ادامه و استحکام آن است. روابط سیاسی اجتماعی از ضرورت های اجتماعی نشأت می گیرد، از دیدگاه جامعه شناسی انسان در عین حالی که فطرتاً اجتماعی است و میل به سوی جامعه در ذات و در خیره، وجودش نهفته است، ضرورتهای زندگی نیز کشش و قایل او را به

سوی همنوعش تقویت بخشیده است. نیازمندی های افراد در زندگی آنچنان فراوان است که به تنهای نمی تواند با راستگین آن را به دوش بکشد.

صد سال پیش دارد. جنگ های خونین اجتماعی، خصوصی های ملی، کله منارها و سایر عوارض طبیعی آن، محصول همین فرهنگ سیاسی است که تا هنوز در عمق باورهای بعضی از احزاب و شخصیت های ریشه دارد.

درگیر بوده و به حل بحران از طریق دیالوگ و مذاکره متنه شده است. جنگهای عراق علیه ایران، جنگهای عراق علیه کویت، جنگهای بوسنی و... بهترین گواه بر تصدیق این باور است، افکار بین المللی نیز با حل مسالت آمیز بحران های اجتماعی و بین المللی از طریق مذاکره، مساعد و دمساز بوده و استفاده از جنگ و قدرت به حیث یک پدیده شوم در ذهنیت عمومی تبارز پیدا کرده است. به این جهت اعلامیه های سازمان ملل متحد، کنوانسیونها و کنفرانس های صلح و امنیت جهانی و مقاوله نامه های متعدد، حل مسالت آمیز بحران ها را چه در سطح یک کشور و چه در سطح کشور ها توصیه و تأکید کرده اند. سازمان ملل متحد یکی از نهادهای بین المللی است که محصول مذاکرات پیگیر سران کشور های جهان در کنفرانس صلح یالنا است، جلوگیری از جنگ و خشونت و حل مسالت آمیز بحران های بین المللی و داخلی کشور ها از طریق مذاکره و گفتگو یکی از مأموریت های آن بوده و در این راستا گامهای عملی برداشته است. افغانستان یکی از کشور های

جامعه انسانی را بنیان می گذاردند. با گذشت زمان بر وسعت جامعه افزوده شده و روابط سازمان یافته تر اجتماعی را ایجاد می نماید. جهت انسجام هرچه بیشتر روابط اجتماعی و کنترول روابط اجتماعی در چوکات منظم و منسجم، دولت بوجود می آید. دولت هماهنگ گذشته، روابط اجتماعی کنله های مختلف جامعه است که بر محور آرمان و خواستهای مشترک آنها پدید می آید. به موازات زمان، نیازمندی ها و ضرورتهای اجتماعی گسترش یافته و روابط بین الملل را در ابعاد مختلف ایجاد می نماید. پیشرفت صنعت و تکنولوژی، افزایش وسائل ارتباطی، به این روابط سرعت بخشیده وابعاد تازه ای به آن می دهد. این روابط از کجا بوجود آمده اند؟ چه علت و یا عواملی تحقق آن را زمینه سازی کرده اند؟ نیازمندی ها و ضرورت های اجتماعی زیربنای اصلی این روابط و هماهنگی ها است ولی دیالوگ و مذاکره یگانه عاملی است که راه را به سوی آن روابط هموار می کند. استفاده از زور هر چند در بعض موارد نتیجه دل خواه زور مداران جنگ طلب را تأمین می

## هاده هزاره چات خواهان صلح و آشتی هشتم

حکومت تشکیل داده ایم و مزاری رهبر در بیخ گوش این حکومت (انحصاری) یک خطر جدی است. این مردم یاغی و خود سرند که مزاری رهبر می گویند. کی به این ها این اجازه را داده که خود رهبر تعیین نمایند؟ به این صورت هر دو جریان انحصار و خیانت به نابودی رهبری جامعه، هزاره و انتقام کشی از مردم (به جرم مزاری رهبر) تصمیم مشترک اتخاذ می گذاردند.

در ۲۳ سپتامبر ۱۳۷۳ می خواستند از طریق کودتا نیت شومن را عملی کنند اما بیداری پیر خردمند، رهبر شهید خلق های محروم و حضور آگاهانه مردم در صحنه، چشم فته را در آورد. نقشه ها خشی گردید و سرمایه کذاری های مسعوده - ریانی به آب رفت. در پی آن، آتش انتقام از زمین و هوا بالای مردم غرب کابل، باریدن گرفت. مردم هزاره غرب کابل، در سوچ خانه هایشان مقاومت کردند و هرگز حاضر نشدند که فریاد مواری رهبر از لب هایشان فروافتند.

فریاد مزاری رهبر از یک سو بر سرخانیان و معامله گران، گرد حقارت می ریخت و از سوی دیگر بر دل بدخواهان و دشمنان، تغمی کینه می کاشت. تا اینکه عقده حقارت و کینه بار دیگر در روز پنجم عید سعید که هنوز لبخند عید دامنش را جمع نکرده بود، به

هزاره جات آخرین خانه ماست. اجازه نخواهیم داد که کسی در خانه ما، دست به آشوب و راههنی بزند. اداره جنگی کابل می خواهد، مردم هزاره سپر بلای آن باشد و از پشت سر آنها با ملیت های دیگر برای انحصار قدرت بجنگد. باند خیانت و معامله آلت دست این اداره، برای درهم شکستن نهاد رهبری جامعه هزاره گردیده.

دشمنان عزت مردم ما هرگز نمی خواهند که آراء و دیدگاه های متفرق در جامعه هزاره جمع شده. یک نهاد متمرکز رهبری در ان بوجود بباید. در کابل فریاد مزاری رهبر مردم، مسعود - ریانی را به عقده حقارت کشاند. این عقده باعث شد که انتقام آن را توسط مثلث اکبری - فاضل - انوری، از مردم هزاره بگیرد.

انگیزه های مثلث خیانت و معامله با اینگیزه های مثلث انحصار (ریانی - مسعود - سیاف) دریک نقطه به هماهنگی می رسد و آن شکستن رهبری جامعه هزاره است. هر دو مثلث تصمیم خود را بر نابودی این رهبری، یکی گردید، دست همیگر را برای اجرای آن می فشارد.

مثلث خیانت و معامله (اکبری - فاضل - انوری) می گوید: ما دیگر تعیین کرده ایم نه رهبر پس چرا مردم «مزاری رهبر» می گویند. این مردم احق و جاهلند. مثلث انحصار می گوید: ما

# امروزه

حزب وحدت اسلامی به هیچ وجه خواهان جنگ در هزاره جات نیست. این باند خیانت و معامله است که مجری سیاست های جنگی اداره کابل در هزاره جات گردیده است.

با تکیه به مشی صلحجویانه، در هر نقطه ایکه مزدوران بی غیرت اداره کابل، تشنجی بوجود آورده اند، رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان به علما و ریشیفیدان منطقه مراجعه کرده، خواهان حل قضیه از طرق صلح آمیز گردیده است. لکن در مقابل این اجیران اداره جنگی کابل بوده که از هر بهانه ای برای ایجاد تشنج استفاده کرده اند. برای روشن شدن اذهان ناگذیریم که بعنوان نمونه به قضیه ورث اشاره نماییم.

در قضیه ورث که ظاهر حسنه داماد و خواهزاده آقای اکبری، بصورت ناخواسته و در جریان یک میانعه لفظی به قتل می رسد، رهبری حزب وحدت اسلامی به منظور جلوگیری از پیش آمد های احتمالی طی یک پیامی به آیه ... بهشتی خواهان حل قضیه از طریق شرعی می گردد اما آقای اکبری، قضیه را بهانه قرار داده، افاده شد را به محاصره پیتاب جوی ورث وارد می نماید. گویا خون خواهان زاده آقای اکبری از خون دیگر فرزندان هزاره که بی گناه کشته می شوند، رنگین تر است و هرگز شرع مقدس نمی تواند خوبیهای آن را جبران نماید. باید در برابر این خون، جویی از خون جاری گردد تا عطش آقای اکبری رفع گردد.

در شرایطی که افراد اکبری جنگ را اغزار می نمایند و آقای فهیمی قوماندان حزب وحدت از رهبری حزب، خواهان هدایت می گردد، در جواب، پیامی دیگری به علما و ریشیفیدان منطقه مبنی بر حل قضیه از طریق صلح آمیز و شرعی، از سوی مقام رهبری ارسال می گردد. و نیز هیئت صلحی را بشمول استاد ناطقی و استاد احسانی یکاولنگی به سوی منطقه اعزام می نماید. متأسفانه آقای اکبری همه این مساعی صلحجویانه و حسن نیت رهبری حزب وحدت اسلامی را نادیده گرفته با ارسال نیرو و امکانات جنگی از کابل جنگ را شدت می بخشد. درست در زمانی که طیاره های اداره کابل با امکانات جنگی به ورث فرود می آیند، مدافعنین مردم آماده دفاع گردیده محاصره را می شکنند. در این شرایط مدافعنین حزب وحدت اسلامی، درک می کنند که این جنگ با پلیاتی از سوی اداره جنگی ریانی است و آنان وظیفه دارند که از حريم مردم شان دفاع نمایند. خوشبختانه در این دفاع مردانه یک بال هلیکوپتر اداره کابل نیز سقوط کرده، دلیل روشن مبنی بز دخالت و سیاست جنگ افزایش گذاشت.

ما مردم، مسؤولین و مجاهدین مالستان، انتخاب بجا و شایسته، شما را به این مقام تبریک عرض نموده، توفیقات مزید جنابعالی را در راه دفاع از حریم مردم سریلنک هزاره از خداوند متعال آرزومندیم. باور دارم همانطوری که زحمات و تلاش بک سال گذشته، شما در امر رهبری سیاسی مردم، ما، در شرایط پیحرانی و پر تلاطم، عظمت و هویت مردم ما را ثبت نمود، بعد ازین هم سعادت و سریلنکی مردم خود را در سایه رهبری خردمندانه حضرت عالی می دانیم. اجازه دهید که بین وسیله پشتیبانی قاطع مردم، مجاهدین و مسؤولین مالستان را، از حسن انتخاب شورای عالی نظارت و مرکزی ابراز داشته، اعلام مینماییم که برای هر نوع فدایکاری و ایشاره تحت زعمات شما آماده ایم.

والسلام

مردم، مسؤولین و مجاهدین مالستان

۱۳۷۵/۲/۱۳

\*\*\*\*\*

پیامبریکیه

سمه تعالی

ما اهالی ولسوالی شیخ علی و همه مسؤولین، مجاهدین، روشنفکران و محصلین، بهترین و صمیمانه ترین تبریکات خوش را به مناسب انتخاب بجا و شایسته، استاد خلیلی به مقام دبیر کلی ح.و.ا.ا.، و رهبری مردم ستمکشیده، ما، خدمت تمام مسؤولین، اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی و ملت قهرمان و حساسه آفرین، عرض نموده، برای رهبر محظوظ طول عمر و توفیقات و برای مردم عذاب کشیده، خود، سعادت جاودانی، آرزو می نماییم.

شورای عالی نظارت و مرکزی با انتخاب حضرت استاد خلیلی بیحیث محوری حرکت حق طلبانه و عدالتخواهانه مردم، در عین حالیکه قدرشناسی خود را از خدمات ارزشمند ابراز می دارد، درایت، کفايت و قاطعیت خود را در خدمت به مردم و جامعه رنجیده، ما، به اثبات می رسانند. تقاضای ما از مسؤولین این است که در تداوم خط خونین رهبر شهید تحت رهبری خردمندانه، استاد خلیلی، همچون گذشته در تحقیق اهداف و آرمانهای رهبر شهید و ثبت هویت و عظمت مردم ما، استوار باشند و رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان را پاری رسانند تا این کشته طوفان زده را به ساحل نجات رهنمون سازند.

مردم، مسؤولین، روشنفکران و محصلین  
ولسوالی شیخ علی - ولایت پروان

## هادر هزاره جات خواهان صلح و ...

هماهنگی رسیده آتشی شد و از زمین و هوا بر سر مردم فقیر غرب کابل ریخت. این درست در شرایطی بود که گروه طالبان به دروازه های کابل رسیده بودند و زمینه از هر جهت برای نابودی رهبری جامعه، هزاره آماده. بالاقامی مساعی کریمانه و حسن نیتی که حزب وحدت اسلامی و رهبری ان، نشان داد نتوانست از اجرای این نیت شوم جلوگیری به عمل آورد. پیشقاول این پلان شوم و کینه آسود باند منور خیانت و معامله بود که لشکر شننده بخون هزاره را به کوچه پس کوچه های غرب کابل بالای نوامس مردم خود، راهنمایی می کردند. غرب کابل سقوط و سنگرهای عدالت فوریت خیخت.

بدیهی بود که جامعه هزاره نی توانست در ماتم شهادت رهبر خود نشسته فقط اشک بریزد. حذف این مردم از صحنه های سیاسی، قابل تحمل نبود. روی این لحاظ، نهاد رهبری کننده، این مردم بی سامان دو باره شکل گرفت. چه جای دیگری غیر از هزاره جات برای تمرکز این نهاد مناسب بود؟

هزاره جات آخرین خانه ما بود. وقتی غرب کابل سقوط کرد، چاره نداشتم که به این جا بیایم اما دیدم که باز هم کینه ها نیش در آورد و باند خیانت و معامله، بی شرمانه و بدون کوچکترین احسان غیرتی لشکر میل مسعود- ریانی - سیاف، همان فاتلان افشار را به هزاره جات آورده بار دیگر آتش جنگ را مشتعل ساختند.

ما دهان پرخون داشتیم. چند روزی بود که پیکر غرقه بخون پدر و مرشد مردم خود را، از دوش نهاده بودیم. کمر ما هنوز از زیر بار این مصیبت سنگین راست نشده بود که تهاجم وحشینانه، اداره کابل با پیشقاولی خود فروخته گان مزدور به بامیان آغاز شد. این درست در زمانی بود که نهاد رهبری کننده، مردم فقیر هزاره، اولین روزهای شکل گیری خودش را تجربه می کرد.

لشکر مهاجم با مرگبارترین سلاح ها به جنگ هزاره جات آمده بود و در مقابل مدافعان مردم ما، با دست خالی ولی ارمان بلند مردمی، مقاومت می کردند. چه بسیار از فرزندان صدیق مردم ما، در فدان امکانات و شب پوش، از شدت سردی جان باختند اما هرگز از سنگر عزت و غرور مردم خود، پایین نیامدند.

این سخن مدافعان سر سخت مردم ماست؛ اگر آتش ما آن قدر قوی نیست که تانک های مهاجمین را بسوزانیم، تن های رنجور و لاغر خود را در لایلانی چین های تانک آن ها آن گونه گره بزنیم که از حرکت بازداریم.

سرانجام جبهه مردمی به پیروزی رسید و لشکر شننده بخون هزاره، پایجا گذاشت تلفات سنگین و کلیه وسایل جنگی خود از بامیان فرار کردند. این شکست تجربه بسیار گرانبهایی بود که اداره جنگی کابل، باید از آن درس فراموش ناشدنی می گرفت اما سیاست جنگی انحصار قدرت چنین مجالی را باقی نگذاشت. چه اینکه گردانندگان این سیاست بخوبی می دانند که در این جبهه افرادی نیستند که به بهای نان حیثیت شان را به معامله و سرنوشت مردم شان را به فروش گیرند. این جبهه بجز تأمین حقوق و خواستهای مردم به چیز دیگری راضی نخواهند شد و این درست مقابله سیاست انحصار قدرت است. بر این اساس فاز جدیدی را در هزاره جات آغاز کردند. در این فاز، باید تمام ذهنیت حزب وحدت اسلامی، مصروف هزاره جات گردیده، از خط مقدمی که نزدیک است گلوبی مسعوده را بفشارد، غافل گردد.

گوچه رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان برای نشان دادن حسن نیت به مدافعان مردم، امر توقف داد. لکن ذهنیت کج دارد و مرض مسعود- ریانی، مانع از درک این پیام شد. و سیاست ایجاد تشنج و درگیری در هزاره جات که هم نفاق های اجتماعی را شدت می بخشد و هم برای رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان درد سر ایجاد می کند با تأکید و تأیین بیشتر روی دست گرفته شد.

متأسفانه جریان خیانت و معامله کابیل، در جهت ایجاد و تشدید آن، عمل می نماید. در این راستا، امروز ها وسیعاً تبلیغ می گردد که نیروهای گروه طالبان در کنار نیروهای حزب وحدت اسلامی در هزاره جات بازمانده ها می چنگند. متأسفانه در این گونه تبلیغات زهرآگین رسانه های خبری جمهوری اسلامی ایران هم سهیار فعال دارد و حتی فعال تر از رسانه های خبری اداره کابل.

روشن است که هدف این گونه تبلیغات از یکسوی بی اعتبار کردن حزب وحدت اسلامی و از سوی دیگر ایجاد خصوصت های ملیتی می باشد. همان چیزی که اداره انحصاری کابیل از آن ماهی مراد می گیرد. مذاکرات حزب وحدت اسلامی با طالبان بر اساس استراتژی مفاهیمه و مذاکره، در جهت حل قضایای کشور بوده اما از لحاظ نیروی جهادی، حزب وحدت اسلامی بر وسیع ترین بایه های مردمی استوار است. این مردم است که از حزب خود دفاع می نمایند. مگر در بامیان همین مردم نبودند که تن خود را به فولاد زندند و فولاد را شکستند. این باند مردم دشمن دشمنی داشتند، با تطیع پولی بی، شرمانه تر از قبل معرفی این نیت گردیدند.

با آغاز سال جدید و تثبیت رهبری پردم، برای سومین بار غرض شکست نهاد رهبری جامعه هزاره، در هزاره جات آتش جنگ را مشتعل ساختند.

انگیزه های جنگی کاملاً روشن است، حزب وحدت اسلامی که خود را حامی حیثیت و حقوق مردم خود می داند، وظیفه دارد که در برای دسیسه های جنگی، سنگر دفاعی خود را مستحکم نماید. انتظار مردم از حزب شان تأمین امنیت و آسایش عمومی است. با اینکه نیروی لایزال مردمی بحمدالله نیروی کافی در اختیار رهبری مردم وجود دارد که در هر نقطه از هزاره جات و خط مقدم جبهه شرارت ها را دفع نماید.

## خدا محوری یا...

این مفهوم ریشه در باورهای دینی و اعتقادی دارد. از آن روزی که باورهای دینی انسان جوانه می‌زند، مفهوم خدا محوری و گرایش انسان به سوی خداوند نیز در درون انسان می‌شکوفد. بلکه می‌توانیم بگوییم که خدا باوری و گرایش به انسان به سوی خدا در فطرت انسان و صیغه انسانی اش نهفته است: فاقم و جهک للدین حنفیاً فطرة الله التي فطر الناس عليها. لکن غفلت او، از کشف فطرت و گرایش به سوی خداوند مانع می‌شود و همین غفلت موجب می‌شود که دسیسه های شیطانی او را از خداوند باز دارد و به وادی ضلال و گمراهی بکشاند. بنابر این مفهوم خدا محوری و میل به سوی ذات حق در فطرت و خیریه وجودی انسان خوبیده و همزمان با خلقت انسان «خدا محوری» نیز شکل گرفته است.

از دیدگاه طرفداران این اندیشه گرایش به سوی خداوند در عمق جان انسان ریشه دارد و با رشد باورهای دینی در جامعه، آن گرایش نیز از قوه به فعل می‌رسد. هنگامی که یک جامعه و یا یک پدیده، سیاسی اجتماعی، صیغه دینی به خود می‌گیرد و هنگامی که یک انقلاب یا جنبش و نهضت با پسوند دین و مکتب وارد صحن، جامعه می‌شود (انقلاب اسلامی، نهضت اسلامی و...) این بار مفهومی نیز بر آن افزوده می‌شود. معنی ندارد که یک جامعه، دینی باشد ولی خداوند محور تمامی گرایشات و فعل و انفعالات اجتماعی آن جامعه نباشد.

حرکت انسان و جامعه به سوی خداوند از «نه» آغاز می‌شود و با گفتن «آری» تکمیل می‌گردد. مفهوم خدا محوری از دو بعد منفی و مثبت تشکیل یافته است و اولین و اساسی ترین شعار توحیدی کلمه «لا اله الا الله» است. قولوا لا اله الا الله تفلحه، بگویند: «خدايانی نیست مگر خدا» رستگار می‌شود. فلاخ و رستگاری جامعه در گرو این دو کلمه است: «نه» و «آری».  
 «نه» در برابر هر آنچه که انسان را به برگشته می‌کند، هری و شخصیت انسانی را لکد کوب می‌کند. «نه» در برابر طاغوت، ضد ارزش های انسانی تلقی می‌شود. «نه» در برابر طاغوت، غبارفراموشی را که ناشی از گذر زمان است از دیدگاهها و چهره هامی زاید. به این لحاظ صفحات تاریخ را ورق زده و گلبرگ هایی از آن گلچین می‌کنیم.  
 حزب وحدت اسلامی افغانستان به غایبگویی از یک ملیت و یا قاعده وسیع مردمی در سال ۱۳۶۸ باکوله بارستگین از رسالت تاریخی بروش، پایه عرصه وجود نهاد. این حزب خاطره تلخ بیش از دو صد سال محرومیت را به همراه داشت. بی توجهی به حقوق و آرمان های سیاسی اجتماعی هزاره ها که در چهره از ازدواج سیاسی شورای انتلاف توسعه مجاهدین پیشاورشین و عدتاً گروههای پشتون، تبارز یافت، حزب وحدت اسلامی را بر آن داشت که برای نشان دادن موجودیت خوش وارد گفتگو های سیاسی با قوماندانان و نظامیان شود. در آن زمان ازیک ها در کابل بودند و حزب وحدت برای رسیدن به اهداف سیاسی اجتماعی خود، فرماندهان تاجیک در رأس آن احمدشاه مسعود را برای مذاکره برگزید. حزب وحدت با توجه به سرنوشت مشترک تاریخی، و موضعگیری های ملایت و انسانی آنها در برابر هزاره ها با احمدشاه مسعود وارد گفتگو و مذاکره گردید. استاد شهد مزاری این جریان تاریخی را اینگونه بیان می‌کند: «درین همه این روحیه بود که ما در طول تاریخ دوصد و پنجاه سال از طرف پشتونها و حاکمیت پشتون صدمه دیدیم. لذا با این باور و با این ذهنیت اولین هیئت (۱۳۶۸) پیش مسعود رفت که توهمن از ملت محروم هستی و هاهم از ملت محروم بیا که دست به دست هم بدهیم... مسعود در ظاهر استقبال کرد و قرار گذاشته شد که هیئت دوم را ایشان (بامیان) بفرستند که تاسال هفتاد و بیک نفرستاد...» (۱)

بعد از آنکه بت ها را شکستی و در این مبارزه سخت بر شیطان پیروز شدی و آن را از نهانخانه دل و جامعه بیرون کشیدی، آنگاه نوبت می‌رسد به اینکه بگویند: «آری»، آری، در برابر کسی که به تو هستی بخشیده، کمالات و هریت انسانی عطا کرده و آنچنان به تو عظمت بخشیده است که ملاکه را به پیشگاه تو به سجده واداشته است. بعد از عصیان در برابر خدايانی که ساخته، پسر است به یک باره در برابر خدای هستی بخش، تسلیم محض می‌شود و خواست و اراده، او را بر خواست و اراده، خود مقدم می‌دارد و اراده، خود را در چوکات اراده، او تنظیم می‌شانی (فمن یکفر بالطاغوت و بیومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لانفصال لها...) کسی که در مقابل طاغوت کفر بورزد و در برابر خدا تسلیم شده، به او ایان آورد، به غرمه الوثقی الهی چنگ زده است، این عرمه الوثقی آنچنان از استحکام پرخوردار است که هرگز از هم نمی‌گسلد و پاره نمی‌شود. اینجا است که انسان به یک باره آزاد شده و به هریت و کمالات انسانی خویش دست می‌یابد. تسلیم در برابر طواغیت، انسان را به برگشته کشاند و هریت انسانی او را دوهم می‌شکند ولی عصیان در برابر طاغوت و تسلیم در پیشگاه خدا که خالق انسان است و بخشندۀ هستی برای او، عظمت آفرین است و آزادی بخش.

## امروز ما

از پذیرش اسلام در اوج اقتدار و عظمت عروج می‌نمایند و جامعه ایدال و غونه ای به وجود می‌آورند که در آن، زیر دست ها بالا آمده اند و اشراحت جاهلی از موقعیت بالای اجتماعی به پائین کشیده شده اند. جامعه ای که در آن عرب و عجم، سیاه و سفید برادرند و برابر. تفاخرات نوادی در هم کوییده شده و در میان قبائل مختلف و متخاصل که سالها باهم جنگیده اند برادری و اخوت ایجاد شده است. ارزشها و معیارهای ارزشی کاملاً دگرگون شده است. «نه» گفتن در برابر حاکیت اشرافی، مقاومت در برابر روند تاریخ که تنها ارمغان ان اسارت انسان در برابر انسان بود، جزء ایمان به حساب می‌آید. تقوی، علم و جهاد تنها معیار ارزشی هستند. اراده مردمی آنچنان به دیده، احترام نگیرسته می‌شود که پیامبر مأمور می‌شود در کارهای سیاسی اجتماعی با مردم مذاکره خود را واز آنها اخذ مشورت نماید. «و شاورهم فی الامر». این است غونه کامل از جامعه خدا محوری. (ادامه دارد)

**منابع:**  
 ۱- محمد قطب، اسلام و ناسامانی های روشنگران، ج ۲ ص ۲۹۳.  
 مترجم: محمد علی عبادی  
 ۲- محمد قطب، اسلام و ناسامانی های روشنگران، ج ۲، ص ۵۱۹.  
 ۳- منع فرق، ج ۱، ص ۱۸.

خواست که سنت اتحادی را از اختیار پشتون ها خارج کرده، در ملکیت تاجیک در آورد و از دو ملیت هزاره و ازیک، بعنوان چوب سوخت این سیاست استفاده نماید با این باور بود که تلاش می‌کرد تا چنگ سختی را بین این دو ملیت و ملیت پشتون راه اندازد. اتحاد سیاف را بر علیه حزب وحدت تحрیک می‌کرد و چند ملی را علیه حزب اسلامی. با این نیت وقتی مسعود خواست وارد کابل شود دیگران را در جریان نگذاشت و بعد از ورود دروازه ها را بروی دیگران بست «مسعود با فشار راه را بروی میدان شهر بست و نیروهای ما یک هفته در میدان شهر گرسنه ماند. قام هم و غم آقای مسعود این بود که سلاحی که در کابل است در دست مردم هزاره نیافتد...» (۳)

به این ترتیب عمل انتلاف نظامی به پایان رسید و مسعود میراث بر نظامی شد که در آن حق و عدالت، برادری و برابری، قریانی اتحاد جنون آمیز شده و ارمغانی جز نابودی روحیه همگرایی ملی، مرگ باورهای انسانی، نفاق اجتماعی تا سرحد ازهم پاشیدگی کشوند.

علارغم چنگ های خونین و خسارت های که از سوی شورای نظر در رأس آن مسعود، علیه مردم ما در غرب کابل تحمیل شد حزب وحدت باریگر پس از گفتگو و مذاکره در اوایل میزان ۱۳۷۱ به دولت ریانی پیوست: «در دورانی که آقای ریانی رئیس جمهور بود مسؤولین حزب وحدت با تلاش و اخلاص رفته با ایشان مذاکره کردن و تواافقنامه امضا نمودند. ریانی به این مسئله تمهد کرد که کسانی که با شما مخالف است با ما هم مخالف است، حضور وسیع شما را در دولت دیده نمی‌تواند. لهذا حق شما (منحصر) در اینکه با من تواافق کردید نیست، بیشتر از این است. شما این را در بین مردم اعلان نکنید به رادیو ها اعلان نکنید من به ملت شما این حق را می‌دهم...» (۴)

ولی این معاہده نیز همانند تواافقنامه های دیگر هرگز عملی نشد و جنبه تحقق نگرفت، تا اینکه انتلاف نظامی دو حزب که از سوی مسعود با ورود به کابل، زیر پا گذاشته شد، با موقعیت ترازدی افشار به صورت غیر ممکن در آمد و حزب وحدت به سوی یک انتلاف نظامی دیگر تغییر جهت داد.

«در قضیه افشار و چندالو روشن شد که این باور ما همه اشتباه بوده است. آن باور این بود که وقتی از یک خاندان جاه طلب و از یک عشیره کوچک بر مردم ما ظلم شده بود، ما فکر می‌کردیم و باور داشتیم که کل جامعه پشتون بر ما ظلم کرده و ظلم می‌کند و در آینده ما وقتی به حق و حقوق می‌رسیم که در کنار فارسی زبانها باشیم از فارسی زبانها دفاع بکنیم و یا آنها همسنگ و هم موضوع باشیم. اما قضیه افشار و چندالو بر این باور ما خط بطلان کشید...» (۵) (ادامه دارد)

**منابع:**  
 ۱- سخنرانی رهبر شهید استاد مزاری در غرب کابل به مناسب سالروز ولادت مولای متینیان حضرت علی (ع) تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱۶، چاپ شده، در مجله سراج شماره ۳ ص ۱۷۲.  
 ۲- آدرس فوق  
 ۳- مدرک فوق  
 ۴- مدرک فوق  
 ۵- سخنرانی از پیشوای شهید- انتشارات کانون فرهنگی رهبر شهید- اسلام اباد، ص ۴۶

به همین جهت است که بلال حبیش سیاه را می‌نگیریم که بخارط سیاه بودن، هبیشه زندگی خود را در اسارت و بودگی سپری می‌کند ولی وقتی که به اسلام می‌گردد، مژون و بلند گوی اسلام در گسته، در برابر خدا تسلیم می‌گردد، مژون و بلند گوی اسلام در عصر خوش می‌شود. موقعیتی که خلیل ها آرزوی رسیدن به آن را در سر می‌پورانیدند ولی شایستگی ان را در مقایسه با بلال اخراج نمی‌کردند.

به همین نحو اسامه فرزند زید جوان پیشته سالهای ای که از موقعیت پایین اجتماعی بخوردار است پس از اسلام یعنوان فرمانده کل قوای اسلام تغییب می‌گردد و در حالی که به حیث امام جماعت اقامه نماز می‌فاید، پشت سرش بزرگترین شخصیت های قبل از اسلام، همانهای که او را به برگشته کشانده بودند، به نماز جماعت ایستاده و به او اقتدا می‌نمایند. سلمان فارسی شخصیت سرگردان برای یافتن حقیقت از فارس حکمت نموده به سرزمین عرب پا نهاده است، جامعه که تمام امیازات اجتماعی را به نژاد عرب واپسی کرده و در لذت های تفاخر نژادی غرق اند، ولی با پذیرش اسلام و ایمان راستین به خداوند به جیش یک شخصیت با عظمت در تاریخ اسلام تبارز می‌نماید. اکثریت سیاست را از آن شکل گرفته است.

از دیدگاه طرفداران این اندیشه گرایش به سوی خداوند در عمق جان انسان ریشه دارد و با رشد باورهای دینی در جامعه، آن گرایش نیز از قوه به فعل می‌رسد. هنگامی که یک جامعه و یا یک پدیده، سیاسی اجتماعی، صیغه دینی به خود می‌گیرد و هنگامی که یک انقلاب یا جنبش و نهضت با پسوند دین و مکتب وارد صحن، جامعه می‌شود (انقلاب اسلامی، نهضت اسلامی و...) این بار مفهومی نیز بر آن افزوده می‌شود. معنی ندارد که یک جامعه، دینی باشد ولی خداوند محور تمامی گرایشات و فعل و انفعالات اجتماعی آن جامعه نباشد.

حرکت انسان و جامعه به سوی خداوند از «نه» آغاز می‌شود و با گفتن «آری» تکمیل می‌گردد. مفهوم خدا محوری از دو بعد منفی و مثبت تشکیل یافته است و اولین و اساسی ترین شعار توحیدی کلمه «لا اله الا الله» است. قولوا لا اله الا الله تفلحه، بگویند: «خدايانی نیست مگر خدا» رستگار می‌شود. فلاخ و رستگاری جامعه در گرو این دو کلمه است: «نه» و «آری».  
 «نه» در برابر هر آنچه که انسان را به برگشته می‌کند، هری و شخصیت انسانی را لکد کوب می‌کند. «نه» در برابر طاغوت، ضد ارزش های انسانی تلقی می‌شود. «نه» در برابر طاغوت، خواه طاغوت درونی باشد (نفس) و خواه طاغوت بیرونی. طاغوت نفس انسان را در برابر محمل، مصرف، اسراف، تبذیر، ترقی و برق تقدیم کند. آسیانخراشها، سکس، شهوت، کاباره و برگشته به برگشته ای و شخیش و شخصیت او را تحقیق می‌کند، و طاغوت بیرون انسان را در برابر همنوعش به برگشته می‌کند. فرق نمی‌کند که روحانیت مسجد و کلیسا باشد که با سو ایستاده از دین و به نمایندگی از خدا هم خود را صاحب اراده و زندگی بشر در دنیا می‌داند و هم مالک بهشت آن در آخرت یا غرور و فرعون که با شعار «انا ربکم الاعلی» بشریت را به بندگی و پرستش انسان دعوت می‌کند و یا یزید و ریانی و مسعود که بنا حق حاکمیت سیاسی اجتماعی مردم را تصاحب کرده اند. «نه» در برابر صد سال تاریخ کشور که جز عزلت، حقارت و اسارت ارمغان دیگر نداشته است.

برای گام گذاشتن به سوی خدا اول بایست. که بت ها را شکست و از بتکده به مزیله انداخت، فرق نمی‌کند بعل و هبل، لات و منات و عزیز پاشد که ساخته و پرداخته، دست بشر در چهارده قرن قبل بود، یا محنتی، فاضل و... باشد که با داخل شدن در کسوت مذهب به خدای جامعه بدل شده و برای حفظ این سمت حاضرند خون و حق یک ملت را به معامله بگیرند، یا تفاخر نژادی باشد که دشنه کمرشکن است بر پیکر روابط اجتماعی.

بعد از آنکه بت ها را شکستی و در این مبارزه سخت بر شیطان پیروز شدی و آن را از نهانخانه دل و جامعه بیرون کشیدی، آنگاه نوبت می‌رسد به اینکه بگویند: «آری»، آری، در برابر کسی که به تو هستی بخشیده، کمالات و هریت انسانی عطا کرده و آنچنان به تو عظمت بخشیده است که ملاکه را به پیشگاه تو به سجده واداشته است. بعد از عصیان در برابر خدايانی که ساخته، پسر است به یک باره در برابر خدای هستی بخش، تسلیم محض می‌شود و خواست و اراده، او را بر خواست و اراده، خود مقدم می‌دارد و اراده، خود را در چوکات اراده، او تنظیم می‌شانی (فمن یکفر بالطاغوت و بیومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لانفصال لها...) کسی که در مقابل طاغوت کفر بورزد و در برابر خدا تسلیم شده، به او ایان آورد، به غرمه الوثقی الهی چنگ زده است، این عرمه الوثقی آنچنان از استحکام پرخوردار است که هرگز از هم نمی‌گسلد و پاره نمی‌شود. اینجا است که انسان به یک باره آزاد شده و به هریت و کمالات انسانی خویش دست می‌یابد. تسلیم در برابر طواغیت، انسان را به برگشته کشاند و هریت انسانی او را دوهم می‌شکند ولی عصیان در برابر طاغوت و تسلیم در پیشگاه خدا که خالق انسان است و بخشندۀ هستی برای او، عظمت آفرین است و آزادی بخش.

## امروز ما

# به مناسبت صعود مجدد استاد خلیلی به مقام قیادت خلق‌های محروم پیام‌های تبریک و تجدید تعهد با رهبر همچنان ادامه دارد

پیام‌تبریکیه

## پیام تبریکیه، استاد سجادی نصیری‌واری عالی نظارت ج.و.ا.ا به مناسبت انتخاب استاد خلیلی به مقام دبیر کلیه ج.و.ا.ا

حضرت استاد خلیلی دبیر خدمت و محظوظ حزب وحدت  
اسلامی، السلام علیکم و رحمة الله... و برکاته!

خدای را سپاس که یکبار دیگر مردم سرفراز، مجاهدین دریا  
دل و حزب افتخار آفرین ما را از کوره بزرگترین آزمون تاریخی  
موفق و پیروز بیرون کشیده و هبستگی ملی، عزت اسلامی و  
بازیابی نفع تعیین کننده، سیاسی و نظامی در کابله، معادلات  
کشور را فراهم آورد.

تصمیم اخیر شورای مرکزی مبنی بر انتخاب جناب عالی به  
عنوان دبیر کل حزب وحدت اسلامی به عین اینکه اظهار مراتب  
عیق قدرشناسی و سپاس مندی این شورا از تلاش‌ها و فدایکاری  
های بی بدل شما در راستای حفاظت از دست آوردهای مقاومت  
کبیر ملی و تداوم خط خونبار پیشوای محظوظ، جریان عدالت  
خواهی کشور و رهبر سازش ناپذیر حزب وحدت اسلامی استاد  
شهید عبدالعلی (مزاری «ره») تجدید میثاق به آرمان‌ها و  
آرزوهای بلند آن پیر طریقت ایثار و شهامت به شمار می‌آید،  
بیانگر احترام خالصانه این رایت افزایان حق و عدالت و آزادی به  
خواست و اراده، آگاهانه و خدش ناپذیر مردم آزاده و دلار ما که  
بارها و بارها در همه عرصه‌ها و صحنه‌ها بیعت عظیم خود را  
بارهبری قاطع و خستگی ناپذیر حزب وحدت اسلامی اعلان داشته  
و شعار حمایت از رهبری را با قام وجود در دشوار ترین شرایط  
فریاد کرده اند نیز می‌باشد این عسکر کوچک مردم از سوی خود و  
شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی ضمن ابراز تشکر و  
سپاس از این تصمیم به موقع، مسولانه و خدا پسند از شورای  
محترم مرکزی که کمال تعهد مردمی و هشیاری ملی و انقلابی خود  
را به نمایش در آورد، کاملاً لازم و شایسته میدانم که این انتخاب  
اصلح را به پیشگاه مردم فدایکار و همیشه در صحنه (هزاره جات)،  
فرزندان، مجاهدین، افسران و مسؤولین متعهد حزب وحدت اسلامی  
و حضرت‌عالی از صمیم قلب تبریک گفته و برای قام رهروان راه قائد  
شهید توفیق پاسداری از سنگرهای عزت و صلابت مردم و تحقق  
خواسته‌های برق و عدالت، حزب وحدت اسلامی در جهت تأمین  
عدالت اجتماعی صلح سراسری، وحدت ملی و تحکیم حاکمیت  
راستین اسلامی در کشور را مستلت نمایم.

و من الله التوفيق و هو الهدى

محمد سجادی ۱۱ نور ۱۳۷۵ بامیان

## از روز معلم در شهر باستانی بایان تدابیل بعمل آمد

روز شنبه ۲۹ نور ۱۳۷۵ به عنوان روز معلم از سوی کمیته  
فرهنگی حزب وحدت اسلامی و ریاست تعلیم و تربیه، ولایت بامیان  
در لیسه عالی شهید مزاری، تجلیل گردید.  
خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی از مرکز بامیان گزارش می‌  
دهد در این محفل که با حضور اعضای شورای عالی نظارت و  
مرکزی حزب وحدت اسلامی و شرکت اعضا کمیته‌ها، مجاهدین،  
قومندانان، مسؤولین ولایت بامیان، شاگردان و معلمین ذکور و  
اناث مکاتب بامیان و مردم شریف شهر بامیان، تدویر یافته بود، با  
تلات آیاتی از کلام الله مجيد توسط برادر قائم عضو کمیته،  
فرهنگی آغاز و با اجرای سرود هایی توسط گروه‌های سرود مکاتب  
لیسه عالی شهید مزاری، شهید فهیمی، شهید رضایی، رایه  
بلخی، شهید نصرت، شهید سهرابی، شیرین هزاره و مکتب  
معصومه، ادامه یافت.

گزارش می‌افزاید، همچنین در این مراسم خواهر ذکیه مشتری و  
خواهر گلشوم جعفری از معلمین مکتب رابعه بلخی، خواهر عزیزه  
نوروزی، خواهر حلیمه مشتری و خواهر فاطمه رضایی از معلمین  
مکتب معصومه، مقالات جالبی را قرائت کردند. همچنین در خلال  
مراسم ترانه‌های هزاره‌گی توسط برادر هنرمند (گل) اجرا گردید.

مراسم با سخنرانی برادر جعفر رضایی و ظاهر اطهاری پیرامون  
ارزش علم و شخصیت معلم و نقش او در تفکر جامعه، پایان  
پذیرفت.

طبق همین گزارش در ختم محفل تقدیر نامه‌های به معلمین  
توسط برادر جویا رئیس تعلیم و تربیه ولایت بامیان، اعطای گردید.

انقلاب، بایانی قوم، رهبر محروم، استاد مزاری،  
حذف مردم ما از معادلات سیاسی کشور و نابودی  
هیئتگشی شان در اذهان همگان متصور بود. فاشیزم و  
خایین ملی که پیروزی شان را در فتح سنگرهای  
مقاومت غرب کابل، احسان می‌کردند، در حالیکه  
وقوع تراویز انسانی در غرب کابل، در وجدان  
انسانیت، سنگینی می‌کرد، با شادی‌باش گفتن همیگر،  
آخرین آرزوهای شان را برملا ساخته با آرامش خاطر به  
چور و چپاول و کشتار جمعی انسانهای بی دفاع و...  
دست زدند. نابودی هزاره‌ها باور همه کس بود. دشمن  
می‌خواست با شلیک گلوله و انفجار عقده هایشان،  
آخرین فرزند هزاره را به خاک افکد و با تانک‌های  
غول پیکر شان آخرین خشت بنای دیوار گلین هزاره را  
که سنگرش نیز هست ویران نماید. اما شکل گیری  
سنگرهای مقاومت مردم هزاره، تحت رهبری خردمندانه  
شما، تمامی بارهای چشم دوختگان به نابودی هزاره  
را، مخصوصاً دشمنان دوست‌نمای را، نقش بر آب غمده  
و یک بار دیگر به شجاعت و قهرمانی فرزندان هزاره و  
توانایی جناب‌الله در امر رهبری این مردم و ادامه راه و  
خط خونین رهبر شهید، مهر تأیید گذاشت. بناءً  
انتخاب مجدد شما را به مقام دبیر کلی حزب وحدت  
اسلامی افغانستان در چنین برهه، اساسی که حقیقتاً  
انتخاب شایسته می‌باشد، برای شما و ملت ستم دیده  
هزاره و قامی از کانهای حزب، تبریک گفته، از صمیم  
قلب، آرزوی موفقیت شما را در جهت تحقق آرمان‌های  
والای ملی و تداوم خط خونین پدر شهید تا استقرار  
عدالت اجتماعی و پیروزی کامل از خداوند منان، تنا  
می‌نماییم، فرقه، ۹۵ یکبار دیگر، تعهد خوش را با  
خون رهبر و حمایت قاطع خود را از دبیر کل حزب  
وحدت اسلامی افغانستان برای خدمت به مردم  
انتخاب شایسته می‌باشد، برای شما و ملت ستم دیده  
هزاره و قامی از کانهای حزب، تبریک گفته، از صمیم  
قلب، آرزوی موفقیت شما را در جهت تحقق آرمان‌های  
والای ملی و تداوم خط خونین پدر شهید تا استقرار  
عدالت اجتماعی و پیروزی کامل از خداوند منان، تنا  
می‌نماییم، فرقه، ۹۵ یکبار دیگر، تعهد خوش را با  
خون رهبر و حمایت قاطع خود را از دبیر کل حزب  
وحدت اسلامی افغانستان برای خدمت به مردم  
افغانستان، اعلام می‌دارد.

علی اکبر قاسمی قوماندان فرقه، ۹۵

۱۳۷۵/۲/۱۲

\*\*\*\*

پیام‌تبریکیه

بسمه تعالی

به مقام محترم دبیر کل حزب وحدت اسلامی  
افغانستان جناب محترم استاد خلیلی! السلام علیکم!  
اما بعد، حزب وحدت اسلامی افغانستان یک بار  
دیگر، صداقت خود را در راه تحقق بخشیدن به آرمان  
های ملت شریف و قهرمان هزاره و تسبیح افغانستان به  
اثبات رسانید و به فریاد رسای حقیقت جویی مردم  
ایشاره گزاره، لبیک گفت. شورای مرکزی که مغل  
آرزوهای دیرینه و حق طلبانه، مردم تشیع و هزاره می  
باشد با انتخاب جناب‌الله به عنوان دبیر کل حزب وحدت  
به اتفاق آرا، رسالت تاریخی شان را در تداوم راه  
قاید شهید استاد مزاری انجام داد. این انتخاب بجا و  
شایسته را حضور شما، تبریک عرض نموده، امیدواریم  
که در جهت ایفای این مسؤولیت سنجین و خطیر،  
هیبته منصور و موفق باشد. کمیته روابط و امنیت  
عامة، هدف دشمن باسایر کمیته‌ها، پشتیبانی قاطع خود  
را اعلام نموده، آماده، اجرای دستورات مقام محترم در  
امورات محوله با کمال صداقت و امانت داری می‌  
باشد. و من الله التوفيق

کمیته روابط و امنیت عامه ۹۶

بیانیه پیامها در

## یک نفر هیزم شکن هزاره توسط افراد

### پسته اتحاد سیاف به قتل رسید

روز دوشنبه مطابق به ۱۳۷۵/۲/۲۴ یک نفر هیزم  
شکن از ملیت هزاره در منطقه پشت مرغ گیران توسط  
افراد پسته سیافی‌ها با چاقو به قتل رسید.  
گزارشگر شهری امروز ما از غرب کابل گزارش می‌

بسمه تعالی  
به مقام محترم سرقومندان اعلایی قوای مسلح و دبیر کل حزب وحدت  
اسلامی. السلام علیکم! اما بعد، بار دیگر اراده، آهین و خل ناپذیر مردم  
مسلمان و شرافتمند ما، در تصمیم تاریخی و انتخاب ارزشمند و شایسته  
شورای عالی نظارت و مرکزی، مبنی بر انتخاب مجدد حضرت‌عالی به عنوان  
دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، تجلی یافته و گام بلند و استوار بسوی  
اهداف عالی این حزب و مردم، برداشته شد و یک بار دیگر، دشمنان به کمین  
نشسته و ایادی ذلیل و خود فروخته شان، به شکست خفت بار مواجه گردیدند.  
قومندانی قول اردو به غایب‌گذگی از قام جزو تامها، قطعات، افسران، مجاهدین و  
سریازان قهرمان خود، حمایت بی دریغ و ایثار گرانه، خود را از اقدام شورای  
مرکزی و انتخاب شایسته حضرت‌عالی به مقام دبیر کلی حزب وحدت اسلامی  
افغانستان، اطمینان داده، اعلام می‌دارد که تا آخرین نفس از اهداف حزب و  
مردم شریف خود، باقدرت و توانگندی کامل، دفاع فوده، لحظه دریغ و غفلت  
نخواهد کرد. قوماندانی قول اردو، آمادگی دارد که با قام دسانیس و توطنه  
های دشمن در همه سطوح، مقابله نماید.

این حرکت بر جسته و تاریخی حزب وحدت اسلامی افغانستان را، به قام  
برادران، خواهان و سنگر داران داخل و خارج کشور، صمیمانه تبریک و  
شادبادش، عرض نموده، از خداوند استدعا می‌نماییم که تحت رهبری خردمندانه،  
جناب‌الله، اهداف عالیه همه شهدای انقلاب اسلامی، بیویه خط سرخ و انقلابی  
رهبر شهید استاد مزاری رحمة الله عليه را، ادامه داده، از دست آورده‌های آن  
بانقد جان پاسداری غاییم. من الله التوفيق

قوماندانی قول اردوی ج.و.ا. ۱۳۷۵/۲/۱۲

\*\*\*\*\*

پیام‌تبریکیه

بسمه تعالی

به مقام محترم دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، پرچمدار پرچم  
خونین حق و عدالتخواهی بایانی قوم، مزاری بزرگ، استاد خلیلی! السلام علیکم  
و رحمة الله... و برکاته.

از آنجاییکه در سال گذشته بعد از حادثه دردناک سقوط کابل و شهادت معلم

## شودای هماهنگی در شرایط حسان کنونی ...

شرایط حسان کنونی که تصمیم آن می‌تواند تغییر عمیق و سرنوشت سازی  
در اوضاع سیاسی و توازن قدرت جبهه‌ها بوجود آورد، باید مسیری را انتخاب  
نماید که هم اعتماد مردم را جلب کند و هم حل کننده، بحران کشور باشد.  
شورای هماهنگی در مرحله بسیار خطیری قرار دارد، بسیاری از محافل  
سیاسی جدا شدن حزب اسلامی را از شورای عالی هماهنگی انتظار می‌کنند  
چه اینکه در باور این‌ها، مذاکرات حزب اسلامی با جمیعت در خط اخوانیم  
از زیانی گردیده، در صورت پیشرفت جبهه بندی را بوجود می‌آورد که یقیناً  
حزب اسلامی نمی‌تواند، در شورای هماهنگی عضویت خود را حفظ نماید.  
لکن ما اعتقاد داریم که شورای عالی هماهنگی مثل اراده تمام مردم و  
ملیت‌های ساکن در افغانستان بوده و قوی ترین سنگر مردم در برابر زور  
گریه‌ها و انحصار طلبی‌ها می‌باشد. با تکیه به همین باور است که احزاب  
تشکیل دهنده آن گرد هم آمده و این شورا را بوجود آورده‌اند. شیوه مذاکره و  
مفاهمه، سیاست اصلی این شورا است و گروه سیاسی موجود در آن می‌تواند،  
مساعی صلح آمیزی را در جهت حل بحران کشور به پیش ببرد. طبیعی است  
که تصمیم نهایی و تشخیص اینکه چه اقدام و راهی در جهت مصلحت مردم و  
حل معضله کشور است بعده خود شورا می‌باشد. هیچ عضوی از شورا حاضر  
نخواهد شد که تعهد خود را مبنی بر پاییندی به فیصله شورا، شکسته راه  
دیگری را بسیز زد و بندی نمایم.

همه اعضای شورای عالی هماهنگی به این واقعیت رسیده اند که جستجوی  
منافع سیاسی گروهی و مطلق کردن آن، گامی بسیزی تشدید بحران و دور شدن  
از آرمانهای مردمی است. در شرایطی که ملت در دریای خون دست و پا می‌  
زند تمام همت گروه‌های سیاسی باید در جهت نجات مردم ازین مصیبت باشد نه  
آنکه با خط بارهای سمتی و گروهی، مصیبت دیگری بر شانه ای مردم افزوده  
تیر پشت آنها را بشکند.

باور داریم که ایجاد جبهه بندی تازه نه تنها مشکل را حل نمی‌کند که  
بحران را پیچیده تر می‌سازد. حفظ کلیت شورای عالی هماهنگی به همان  
اهمیتی قرار دارد که حل بحران کلی کشود. بر خلاف خواست بد خواهان  
و سیاستی که اداره ریانی برای متفرق کردن جبهه وسیع مردمی علیه خود اتخاذ  
گرده، شورای عالی هماهنگی، کلیت خود را مؤثر تر از گذشته حفظ خواهد کرد.  
حزب وحدت اسلامی با تکیه به این باور که شورای عالی هماهنگی یکی  
از میراث‌های گرانبهای رهبر شهید خلق‌های محروم استاد مزاری، در جهت  
حقیقت اخوت اسلامی بین اقوام و ملیت‌ها می‌باشد از هیچ کوششی در تقویه آن  
دریغ نخواهد کرد. (اصروز ما)

## امروز ما

## هیئت شورای عالی هماهنگی با حضور حضرت صاحب مجددی با جنرال دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی مذاکره کردند

## درین از قوانین اذیع را، ای، باشد از معاهده بیش از پیکیه، تروریستی به شهادت رسیدند

زوار علی صداقت و احسان علی شجاعی از قوانین اذیع وحدت اسلامی در ولایت ارزگان در یک حمله، تروریستی از سوی مزدوران اداره کابل، در منطقه جنگان، به شهادت رسیدند. خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی از ولایت ارزگان خبر می‌گردیده است.

دهد. این افراد در شرایطی به شهادت رسیدند که با اینی اشتری

مریوط جریان خیانت و معامله در حاشیه قرآن کریم تعهد نامه

صلح امضا کرده بودند. اینی اشتری بانیروهایش که با چال و

نیزگان، و تعهد کنار گذاشت خصوصت و دشمنی با مردم اشتری و

خدیر، وارد منطقه شده بودند در سومین جلسه صلح در منبر

جنگان، به این منبر، هجوم برده در حالی این فرزندان صدیق مردم

را به شهادت رساندند که قرآن پیش روی آنان بوده است.

گزارش می‌افزاید: یک مقام مسؤول نظامی در اردوی حزب

وحدت اسلامی با اپراز همدردی و عرض تسلیت به فامیل شهدا، به

ارتباط این عمل ضد اسلامی، اظهار داشت: شهادت این عزیزان

بیش از پیش چهره، جریان خیانت و معامله را هویتا می‌سازد. و

این عمل نشان داد که آنان به هیچ تعهدی پایبند نیستند. لکن ما

وظیفه ملی و اسلامی خود را در قبال مردم خود انجام خواهیم داد ■

تعراضات نیروهای وابسته اداره جنگی کابل در

## مناطق لولنج و شیخ علی دفع گردید

در شب دوشنبه هفته جاری، نیروهای مشترک شورای نظر و باند خیانت و معامله در مناطق لولنج و شیخ علی مریوط ولایت پروان تعراضات ناکامی را انجام دادند که با مقاومت قهرمانانه، مدافعين حزب وحدت اسلامی به عقب زده شد. گزارشگر امروز ما به

نقل از یک منبع نظامی مستقر در خطوط مقدم جبهه خبر می‌دهد،

نیروهای وابسته اداره جنگی کابل در شب دوشنبه هفته روان، با

شکست آتش بس موجود بین این اداره و حزب وحدت اسلامی،

تعراضات ناکامی را در لولنج انجام دادند. به نقل ازین منبع، ابتدا

نیروهای مهاجم توانستند یک قرارگاه نظامی مجاهدین ح.و.ا.، را

به اشغال خود در آورند ولی متعاقباً نیروهای پروان ما با یک صد

حمله مهاجمین را شکست داده مقابله زیادی سلاح و مهمات را به

غذیمت گرفتند. اما از آمار تلفات دشمن اطلاع دقیقی در دست

نیست.

هیین گزارش می‌افزاید، همچین در خطوط مقدم جبهه، شیخ

علی، نیروهای مشترک شورای نظر و اتوی دست به تعریض

ناکامی زدند که با مقاومت مدافعين حزب وحدت اسلامی به شکست

مواجه گردیدند ■

داشته که یعنوان عضو شورای عالی هماهنگی باقی خواهد ماند اما توافق حزب وحدت اسلامی مبنی بر شرکت این حزب همراه با حزب اسلامی در اداره سیاسی کشور مطرح نبوده و در این گزارش تکذیب گردیده است.

گزارش علاوه می‌دارد که هیئت شورای عالی هماهنگی پس از مذکورات در مزار شریف به بامیان رفته با استاد خلیلی دیرگل حزب وحدت اسلامی دیدار و مذاکره خواهند کرد.

بر اساس گفته، داکتر طالب سخن گویی شورای عالی هماهنگی، پس از مذکورات با رهبران گروه های شامل در شورا تصمیم نهایی در باره مذکورات حزب اسلامی با اداره کابل، گرفته خواهد شد ■

## با آتش مدافعين ح.و.ا. ...

گزارش حاکیست این طیاره بعد از سقوط با یک انفجار عظیم طعمه، حرق گردیده قام سرنشیان آن به هلاکت رسیدند.

گزارش علاوه می‌دارد، منطقه پیغام جوی که چند روز پیش ازین حادثه از سوی مزدوران اداره کابل محاصره گردیده بود، با مقاومت جان برگفان حزب وحدت اسلامی، محاصره شکسته و فعلاً این منطقه کاملاً تحت کنترل نیروهای این حزب قرار دارد ■

## مناطق بند و مریوط ولایت ارزگان هدف حمله

## ناکام مزدوران اداره کابل قرار گرفت

در شب یکشنبه مطابق ۱۳۷۵/۲/۳۰ نیروهای مردم دشمن و دست به یک حمله ناکامی زدند که با مقاومت مدافعين حزب وحدت اسلامی، با شکست مواجه گردیدند.

گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی حاکیست مهاجمین با یک گذاشت پنج نفر کشته و مقابله زیادی مهمات و سلاح های تقلیل از منطقه متواتر گشتهند. همچنین در این گزارش امده است که

فراریان سه نفر کشته و پنج نفر زخمی را نیز با خود برده اند. گزارش علاوه می‌دارد: این حمله توسط افرادی صورت گرفته که در

جمهوری اسلامی ایران آموزش نظامی دیده برای آشوب و جنگ افزایی علیه حزب وحدت اسلامی از طریق ولایت غور وارد منطقه گردیده بودند ■

## ما در هزاره جات خواهان صلح ...

در هر منطقه ایکه مشکل پیش آمده ما به ریشیفیدان و علمای منطقه مراجعه کردیم. ولی آقای اکبری نژیرفت و جنگ را در ورس برما تحمیل کرد، دوتن از قوانین اذیع نهاده شده در مزار شریف جنگان ولایت ارزگان در منبر در حالیکه قرآن پیش روی شان بوده با سه تن از مجاهدین شان ترور کردند.

ما خواهان جنگ نیستیم ولی اگر نکداشتند و شرارت کردند، وظیفه داریم از امنیت مردم خود دفاع نماییم. ما به هیچ عنوانی نیروی بیگانه را در خانه خود تحمل کرده نمی توانیم، ما با طالبان بخاطر قضایای کشور مذاکره می نماییم. ما احیایی به نیروی دیگران نداریم. چون حزب وحدت اسلامی از وسیعترین پایه مردمی برخوردار است. این مردم هستند که از حیث خودشان دفاع می نمایند. آنها که برپایه از مردم هستند احتیاج به نیروی بیگانه دارند و آنها را بالای خانه های مردم می آورند ■

## پادشاه خیانت و معامله خود را ...

دروغین و تهدید مردم را اجبار به شرکت در جنگ می نمایند. گفته می شود که منظور اداره جنگ کابل ازین جنگها در هزاره جات، وارد کردن حزب وحدت اسلامی به سازش با این اداره است. لیکن تنفری که ازین سیاست در ذهن مردم بوجود آمده، این جنگ های نیت شوم ریانی - مسعود را بر ملاساخته نتیجه معکوس بیار خواهد آورد. همچنین در این گزارش آمده است که سید مصطفی کاظمی متعلق به پاند خیانت و معامله با تعدادی از افراد مسلح به ولسوالی لولنج ولایت پروان اعزام گردیده اند ■

## مردم غرب کابل از تلاشی خانه های شان ...

این مردم نسبت به رهبر شهید شان استاد مزاری و ترس اداره جنگی ریانی، از آینده می باشد. باند خیانت و معامله که مردم آنها را عامل سقوط غرب کابل و بی دفاع شدن مردم هزاره در کابل می دانند، برای انتقام کشیدن از مردم بخاطر وفاداری شان به خط سرخ رهبر شهید، پیش قراول این پلان شوم گردیده اند.

گزارش می افزاید، دستگیری و اختطاف جوانان هزاره که در این اواخر افزایش یافته، مردم غرب کابل را در موجی از ترس و نگرانی فرود بوده است ■

## اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی ...

خیرگزاری وحدت اسلامی به نقل از دارالانسای شورای مرکزی، گزارش می دهد. در این جلسه اقدامات جنگی اداره ریانی و جریان خیانت و معامله در مناطق هزاره جات و نیز عملیات تروریستی باند مزدور در منطقه جنگان مورد بزرگی قرار گرفته، تصمیمات مقتضی در زمینه اتخاذ گردید. همین گزارش حاکیست که در این جلسه تصمیم گرفته شد که هیئتی از سوی مرکزیت حزب وحدت اسلامی به منطقه ورس رفته با همکاری علمای و ریشیفیدان منطقه، بخصوص حضرت آیه... بهشتی عضو شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی، جلوگسترش جنگ را پیگیرند.

گزارش علاوه می دارد که در این جلسه پیرامون راه اندزای درس های پوهنتون بامیان نیز بحث بعمل آمده تصمیم قاطع اتخاذ شد ■

## هشت نفر از هیئت هزاره با وضع فجیع در قتل رسیدند

مریوط اداره جنگی ریانی می باشدند که مردم ارتكاب این عمل

وحشیانه را به آنها نسبت می دهند ■

## مناطق پیروز اتفاقی شنیدن کاریز و ایزو چوون

## در زوران ایز ایز کاریز ناگوار ناگوار

مزدوران اداره کابل که در جهت سیاست چنگ افروزانه

مسعود - ریانی در مناطق شیرداغ ولایت ارزگان و بغل کندوی

شهرستان، اقدام به شرارت و راهنمی غوده بودند، از سوی

نیروهای حزب وحدت اسلامی کاملاً پاکسازی گردیدند.

بر اساس گزارش دیگری از بغل کندوی شهرستان در این

منطقه نیز نیروهای این باند مزدور بالای محلات پر تجمع اقدام

به تیر اندازی و دهشت افکنی غوده بودند که با مدافعه مجاهدین

این منطقه از منطقه عقب نشینی کرده یک کشته و زخمی از خود

بر جای این اتفاق اتفاقاً هردو منطقه از آرامش کامل برخور دار است

و مردم به زندگی عادی خود اشتغال دارند ■

هفت نامه سیاسی، فرهنگی و خبری

## امروز ما

## زیر نظر شورای نویسنده کان

UNIVERSITY TOWN P. O. BOX: 1073

PESHAWAR - PAKISTAN

قیمت یک شماره: ۳ روپیه یا معادل آن

دهد، مقتول که در حدود ۴۵ سال سن داشت برای آوردن هیزم به این منطقه رفته بوده، در حالی جنازه شان یافت شده که پشتاره شان به پشت و در خون خود شناور بوده اند و نفر از چهار نفر دیگر چشم شان را در آورده و گوش و بینی شان را بزیده بودند.

گزارش علاوه می‌دارد که در محل این قتل ها مسلحین تغیری

## یک نفر هیزم شکن هزاره ...